

■ بی نہایت طلبی یعنی چی؟

چرا ما بہ ہیچہ چی راضی نہی شیم؟



■ اینکہ بفہمم بی نہایت طلبی یعنی چی، بہ چه دردم می خورہ؟

بزرگترین آرزوی تو چہ؟

مہم ترین آرزوت کدومہ؟

چندبار تا حالا برات پیش اومده کہ توی لیست آرزوهات
ہمہ چی جا بہ جا بشہ!

یہ چیزی اہمیتش رو از دست بدہ و یہ چیز دیگہ جاش رو بگیرہ؟

تا حالا برات پیش اومده

بہ اون چیزی کہ خیلی دلت میخواست، برسی! ولی یہو پاک دلت رو بزہ؟

■ اصلاً تا حالا به خود آرزو فکر کردی؟
آرزوها به چه درد ما میخورن؟
چرا ما اینقدر آرزوی جورواجور داریم؟
اصلاً ممکنه یه روزی بیاد که دیگه آرزویی نداشته باشیم؟

موتور محرک همه‌ی کارایی که ما میکنیم؛
همین ویژگی ماست که میتونیم آرزو کنیم؛ حالا چه جوری؟

■ چقدر پول نیاز داری؛ تا به آرزوهات برسی

هولووو بیایی



QR کد را اسکن کنید.



■ تا حالا به این فکر کردین که بی‌نهایت طلبی یعنی چی؟
اصلاً تا حالا چیزی راجع بهش به گوشتون خورده؟
اگه یه نگاه‌ی به دوروبرمون بندازیم، آدمایی رو می‌بینیم
که به هیچ چی راضی نیستن و هی بیشتر و بیشتر میخوان،
اما این معنیش چیه؟

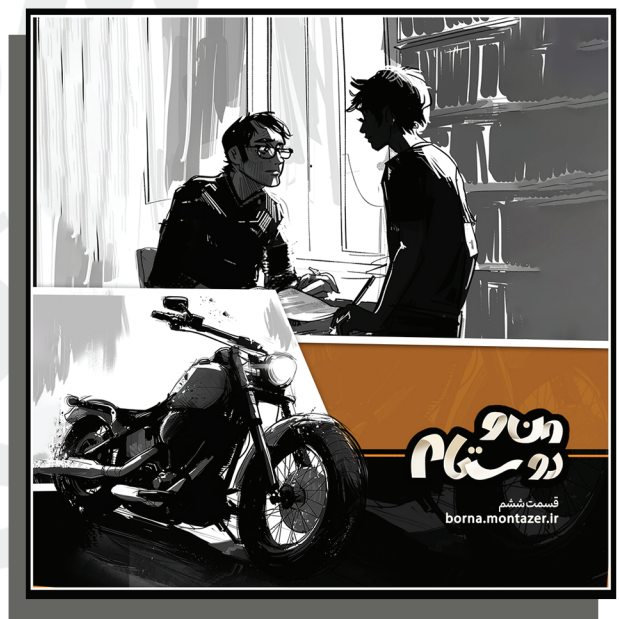
یعنی واقعاً هیچ حد و مرزی واسه‌ی آرزوهای ما نیست؟
پس این چند لحظه دنیایی رو تصور کنیم که توش هیچ کی هیچ آرزویی نداره،
اصلاً هیچ کس دنبال هیچ چی نیست!

■ دنیاش خیلی کسل‌کننده و بی‌روح میشه، درستہ؟
آخه آرزوها و هدفای ما مثل موتور زندگی‌اند!
اگه هیچ کی هیچ چی نخواد، همه چی بی‌حال و بی‌هیجان میشه.

حالا یہ دوربرگردون بزنیم، برگردیم تو دنیای خودمون.
دنیای واقعی‌مون که پر از آرزو و هدفه. اینجا ما همه‌ش دنبال چیزای جدیدیم،
یعنی اصلاً یہ دقیقه هم نمی‌تونیم آرام بشینیم.
همینکه یہ گوشی یا وسیله‌ی جدید می‌خریم، بعد از یہ مدت دلمونو می‌زنه
و یہ دونه جدیدتر و بهترشو می‌خوایم. انگار هیچ وقت راضی نمی‌شیم.
نگران شدین، نه؟ اصلاً جای نگرانی نداره. آخه این یہ بخشی از طبیعت ماست،
واسه‌ی اینکه ما بی‌نهایت طلبیم!

دوست‌تو

یکی از بزرگترین آرزوهای امید
تازه برآورده شده بود.
همه چی داشت خوب پیش میرفت
و داشت حسابی با این دوچرخه‌ی
تازه عشق میکرد!
تا اینک...ه...



QR کد را اسکن کنید.

■ ہمون بی نہایت طلبیم!

■ اگہ بہمون بگن چقدر پول می‌خوای تا ہمہی آرزوہات برآورده بشہ، چی می‌گیم؟ یہ میلیارڈ؟ ده میلیارڈ؟ صد میلیارڈ؟ احتمالاً یہ لیست بلند بالا از آرزوہا تو ذہنمون میاد و بعدشم یادمون میفتہ کہ چند تا چیز رو ہم جا انداختیم! چند دقیقہی دیگہ صبر کنیم، احتمالاً لیستمون دو برابر میشہ! انگار خواستہ‌ہای ما ہیچ تھی ندارن و ہیچ چی نمی‌تونہ ما رو کاملاً راضی کنہ. یا تو این دنیا ہیچ وقت نمی‌تونیم بہ ہمہی چیزایی کہ می‌خوایم برسیم و ہمیشہ یہ چیز بیشتر می‌خوایم و این یعنی ہمون بی نہایت طلبی! اگہ ہرکدوممون بہ زندگی خودمون و آرزوہامون نگاہ کنیم، حتماً این میل بہ بیشتر خواستنو یہ جایی تو وجودمون پیدا می‌کنیم. واسہی ہمینم بی نہایت طلبی ہیچ نیازی بہ ثابت کردن ندارہ! چون یہ جایی تو خودمون پیدا ش می‌کنیم.

مثلاً اگہ یہ دوچرخہی باحال کوهستان داشته باشیم، بعدش دلمون یہ اسکوتر برقی می‌خواد، اگہ اونم بگیریم، احتمالاً چند وقت بعدش عاشق یہ موتور سوپر بایک می‌شیم! یا اگہ بریم توی یہ رشتہی ورزشی، تمام آرزومون این میشہ کہ بتونیم طلای المپیک یا جہانی رو توش بگیریم و اگہ بگیریمش، بازم راضی نمی‌شیم و بہ فکر رکورد زدنا و گرفتن مدالای بیشتریم، یعنی یہ جورایی ہمیشہ بین خواستہ‌ہامون در حال چرخیدنیم و ہیچ وقت پایانی واسشون تصور نمی‌کنیم! فکر کنم یواش یواش دارہ واسمون جا میفتہ کہ بی نہایت طلبی یعنی چی!

■ اصلاً میدونین این بی‌نهایت‌طلبی از بچگی با ماهاست. یادتونه وقتی کوچک بودیم، دوست داشتیم همه‌ی اسباب‌بازیا و خوراکیای دنیا رو داشته باشیم؟ حالا هم که بزرگ‌تر شدیم، آرزوهایمون به همون نسبت بزرگ‌تر شدن، یعنی همیشه به چیزی هست که ازش بیشتر بخوایم؛ مثلاً امروز به پلی‌استیشن داریم، فردا دلمون به ایکس‌باکس می‌خواد، بعدشم چشممون دنبال به گیمینگ پی‌سی فول می‌گرده!

یا اگه نمره‌هایمون تو مدرسه عالی‌ه و شاگرد اولیم، دلمون می‌خواد تو مسابقت علمی‌ام برنده بشیم، یا مثلاً اگه اهل بازیای کامپیوتری هستیم، وقتی به بازی جدید می‌خریم و همه‌ی مرحله‌هاشو تموم می‌کنیم، بلافاصله دنبال بازی بعدی می‌گردیم. به‌جورایی همیشه به چیز جدیدی هست که بخوایم بهش برسیم. این میل به خواستن بیشتر و بهتر تو همه‌ی ما هست و هیچ‌وقت متوقف نمی‌شه.

یعنی چی؟ یعنی به هارد به ترابایتی رو همیشه ریخت تو به فلش شونزده گیگی؛ آقای زارع توضیح داده براتون:



چرا من سیرمونی ندارم؟! 

borna.montazer.ir

کشان درون

QR کد را اسکن کنید.



چراما این جوری هستیم؟

شاید از خودمون بپرسیم که

اصلاً این بی‌نهایت طلبی از کجا اومده؟ یا وقتی دنیا و عمر ما محدوده، چرا باید این جور باشیم؟ آخه این میلی که همیشه ما رو از یه خواسته دنبال یه خواسته دیگه می‌فرسته و یه وقتایی آرامشمونو ازمون می‌گیره، به چه دردی می‌خوره؟

اصلاً میشه یه جورایی این میلو تو خودمون از بین ببریم، تا از دستش راحت بشیم؟ آیا اگه جلوشو بگیریم، به آرامش می‌رسیم؟

می‌دونین، هیچ آرزویی بی‌دلیل و بی‌ریشه تو وجود ما شکل نمی‌گیره. بذارین واضح‌تر بگم، ما چون یه وجود بی‌نهایت داریم، تو خودمون میل به بی‌نهایتو احساس می‌کنیم؛ یعنی خواسته‌هامونم مثل خودمون بی‌نهایتن، هم همه چیزو می‌خوایم، هم بهترینشو می‌خوایم، اما این وسط اگه خودمونو شناسیم یا دقیقاً ندونیم چی می‌خوایم و میل بی‌نهایت طلبی یعنی چی، ممکنه گیج و سرگردون بشیم، یعنی به جای خواسته‌ها و آرزوهای که تو قد و قواره‌ی خودمون هستن، تو دام خواسته‌های کوچیکمون بیفتیم.

آخه میدونین وجود ما که فقط یه قسمت نیست!

از قسمتای مختلفی درست شده، اما نکته‌اش اینجاست

که همه‌ی قسمتای وجود ما بی‌نهایت نیستن!

یعنی ما تو همه‌ی قسمتای وجودمون ظرفیت بی‌نهایت نداریم.

حتی اگه ظرفیتشم باشه، عمر کوتاه ما تو این دنیا انقدری نیست

که به همه‌ی خواسته‌هامون برسیم!

■ ما اگہ وجودمونو شبیہ پنج تا پیمونہ با اندازہ‌های مشخصی بدونیم، فقط یکی از این پیمونہ‌ها اندازہی بی‌نہایت بزرگہ. بقیہ‌شون چون کوچیکن، اصلاً جایی واسہی خواستہ‌های بی‌نہایت ما ندارن. همون جور کہ نمیشہ بی‌نہایت آب رو تو یہ لیوان کوچیک جا داد، ما ہم نمی‌تونیم بی‌نہایت کمال و خواستہ رو توی جسم کوچیک و عمر کوتاہ خودمون جا بدیم. بعدشم چون بلد نیستیم بی‌نہایت طلبی خودمونو مدیریت کنیم، استرس و اضطراب می‌گیریم. چون نمی‌تونیم ہمہی چیزایی کہ می‌خوایم رو داشته باشیم و این باعث ناراحتی‌مون میشہ! اگہ هنوز این مسالہ براتون کامل جا نیفتادہ توی این پادکست دورہ‌اش کنین:

QR کد را اسکن کنید.

